فصلنامه تخصصی علوم سیاسی
دوره ۱۸، شماره ۶۰، پائیز ۱۴۰۱
نوع مقاله: علمی پژوهشی
صفحات: ۱۰۵-۸۴

# جایگاه و تأثیر توسعه روانشناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران

میثم اسماعیل‌زاده[۱]
علی‌اشرف نظری[۲]
رضا رستمی[۳]
سید مصطفی ابطحی[۴]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

**چکیده**

مقاله حاضر به جایگاه توسعه روان‌شناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران می‌پردازد. ضرورت این موضوع ازآنجاست که تبیین یکسری عوامل روان‌شناختی، موجبات تحقق سیاست‌گذاری توسعه را رقم خواهند زد. هدف تبیین شاخص‌های توسعه روان‌شناختی در سیاست‌گذاری عمومی توسعه است. در اهمیت بحث حاضر باید گفت در بررسی نتایج حاصله از فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران شاخص‌های نظیر ارزش، باور، هنجار، رفتار و عقلانیت نقش اساسی دارد. سؤال اینجاست جایگاه و تأثیر توسعه روان‌شناختی در سیاست‌گذاری عمومی چیست؟ فرضیه بیانگر است که توسعه روان‌شناختی با ایجاد و بهره‌گیری از شاخص‌های اثربخش و راهگشا نظیر ارزش، باور، هنجار، رفتار و عقلانیت در ایران می‌تواند موجبات توسعه پایدار کشور را رقم می‌زند. چارچوب نظری با الهام از نظریات نوسازی روانی، درصدد تحکیم اثبات فرضیه است. لذا با استعانت از روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از تجزیه‌وتحلیل داده‌های گردآوری‌شده که به روش کتابخانه‌ای می‌باشد به تبیین شاخص‌های موردنظر پرداخته‌شده است. نتایج نشان داد توسعه شاخص‌های ذکرشده سبب تحقق حکمرانی خوب و توسعه مبتنی بر سیاست‌گذاری‌های مطلوب در ایران می‌شود.

**کلمات کلیدی**

توسعه روان‌شناختی، سیاست‌گذاری عمومی، ارزش، باور، هنجار، رفتار، عقلانیت

۱-دانشجوی دوره دکتری تخصصی سیاست گذاری عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Esmaeelzadeh.meysam@yahoo.com
۲-استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق وعلوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
aashraf@ut.ac.ir
۳- استاد گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران rrostami@ut.ac.ir
۴-استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m_abtahi@srbiau.ac

**مقدمه**

**توسعه فرایندی است که بدون در نظر گرفتن سایر ابعاد آن یعنی توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مهم‌تر از همه توسعه روان‌شناختی[1] محقق نخواهد شد. در کشور ایران با توجه به ماهیت سیاست‌گذاری‌های توسعه که عمدتاً اقتصادی است، در عرصه عمل و ارزیابی با عدم کارایی بسیاری مواجه هستیم که تحقق حکمرانی خوب را نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است (الوانی وکیاکجوری، ۱۳۹۶:۱۳). اهمیت برنامه‌ریزی درازمدت و دستیابی به هدف‌های توسعه آرمانی از سوی سیاست‌گذاران بر کسی پوشیده نیست به‌عنوان‌مثال تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی (۱۴۰۴-۱۳۸۴) در چارچوب برنامه‌های میان‌مدت پنج‌ساله و با رسالت و مأموریت‌های متفاوت خود گواه این موضوع می‌باشد اما نتایج حاصله بیانگر این امر هست که فاصله نسبتاً زیادی بین سیاست‌گذاری، توسعه و حکمرانی خوب وجود دارد. راه برون‌رفت در نهادینه نمودن فرهنگ توسعه‌پذیری از طریق تغییر نظام باورها، نگرش‌ها و ادراک‌های منسوخ‌شده و ایجاد انگیزه‌های لازم نسبت به مقوله توسعه هست. یکی از ابعاد مهم و مغفول در بررسی مطالعات توسعه در ایران مقوله توسعه روان‌شناختی است. این رویکرد تابع ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات، باورها، رفتارها و تعقل در هر جامعه هست، جنبه نظری و ارزشی داشته و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و مقاطع زمانی متفاوت در حال تغییراست.**

**از سویی سیاست‌گذاری عمومی[1] مفهومی است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره‌خورده است و تداعی‌کننده اقدام عمومی است و به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر سیاست‌ها و تأثیر آن بر جامعه است. در تعریف دیگر مجموعه‌ای از اقدامات عقلانی است**

1-Psychological development

که طی فرایندی به انجام رسیده‌اند و شامل مراحلی همچون تنظیم راه‌حل، اتخاذ سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها هست. ماهیت نظام سیاست‌گذاری عمومی تابعی از مختصات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی است و میزان موفقیت تحقق اهداف آن نیز در درون چرخه‌ای از عوامل فوق تعیین خواهد شد. از سویی حجم مطالعاتی که در سال‌های گذشته در حوزه سیاست‌گذاری توسعه صورت گرفته عمدتاً با رویکرد اقتصادی می‌باشد از همین رو یک مطالعه با رویکرد و محوریت مباحث روان‌شناختی و تأثیرات آن بر فرایند سیاست‌گذاری عمومی را ضروری کرده است. همچنین این پژوهش درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که مدل مفهومی روان‌شناختی با عناوینی همچون: شناخت و ارزش‌ها (توسعه شناختی)، باورها (توسعه باورهای واقع‌گرایانه)، هنجارها (توسعه هنجارهای اثربخش)، رفتارها (توسعه رفتار سیاسی مطلوب)، عقلانیت (توسعه و احصاء عقلانیت) از چه جایگاهی در سیاست‌گذاری توسعه برخوردار است؟ و بر همین اساس تلاش می‌کنیم شاخص‌های توسعه‌پذیر را از دیدگاه محقق تبیین کنیم.

پیشینه پژوهش

مطابق بررسی‌های صورت گرفته تاکنون پژوهش‌هایی درزمینهٔ سیاست‌گذاری توسعه در ایران به انجام رسیده است که در ادامه به اهم این مطالعات می‌پردازیم.

۱- کتاب «بنیادهای تئوریک نوسازی روانی» ( سعید عبدالملکی۱۳۹۸) به مقوله‌ی توسعه‌یافتگی از زاویه روان‌شناختی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد ریشه‌های توسعه را پیش از عوامل اقتصاد باید در عوامل روانی و ذهنی جستجو کرد و تأثیری که این عامل بنیادی می‌تواند درروند توسعه‌یافتگی داشته باشد را تشریح می‌کند به همین دلیل توانمندسازی روان‌شناختی فردی به‌عنوان عاملی برای پیشرفت هر جامعه موردبررسی قرار می‌دهد.

۲- «کتاب بن‌مایه‌های توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی » (محمد ستاری فر۱۴۰۰) نگاه همه‌جانبه‌ای به عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در ناکامی و دست‌یابی ایرانیان به توسعه‌یافتگی می‌اندازد و به شناخت دولت نسبت به ارزش، باورها، تفکرات و قانون‌مندی جامعه به‌عنوان خالق ابعاد توسعه اشاره می‌کند.

**۳-«کتاب چرا عقب‌مانده‌ایم» (علی‌محمد ایزدی (۱۴۰۱) به این مسئله می‌پردازد که چرا عقب‌افتاده‌ایم و در این راستا نقش عناصر مختلفی هم چون استعمارگران، ذخایر نفت، موقعیت استراتژیک، ناآگاهی و کمبود سواد و شخصیت اخلاقی ملت ایران را موردبررسی قرار می‌دهد. به تحلیل شخصیت اخلاقی ایرانیان در دو بخش شناخت انسان و آسیب‌شناسی دروغ پرداخته که هرکدام به موضوعات مختلف تقسیم‌بندی شده‌اند. وی در تبیین ریشه‌های عقب‌ماندگی جامعه ایرانی، دروغ و دروغ‌گویی را مهم‌ترین عامل این وضعیت می‌داند.**

**۴- همچنین کتاب « تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه در ایران»( آل یاسین(1392 به برنامه‌ریزی توسعه در ایران اشاره نموده و مباحثی همچون نظم اداری و اجتماعی، بهره‌وری نهادهای مدنی، رشد اقتصادی و بوروکراسی منظوم کشورهای میزبان با زمینه‌های مشابه ایران به‌ویژه نابسامانی اجتماعی، کندی پیشرفت اجتماعی، کندی پیشرفت توسعه، اقتصاد ناپایدار، کم‌کاری نهادهای مدنی، بوروکراسی ناکارآمد، فقدان کارکرد سیستم به‌جای فرد و منش و خلقیات نامطبوع ایرانی را تشریح کرده است.**

**۵-روانشناسی سیاسی (پاتریک هاوتن ۱۳۹۸) با طرح دیدگاه عقلانیت محض و عقلانیت محدود و ایجاد دو مدل انسان اقتصادی (عقلانیت محض) و انسان روان‌شناختی (عقلانیت محدود) و برشمردن ویژگی‌های هر یک و با ذکر مصادیق متعدد تأثیر آن را بر تصمیمات و رفتار سیاستمداران و سیاست‌گذاران مورد مداقه قرار می‌دهد.**

**۶- تقی لو (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان موانع نظری تحقق الگوی بومی توسعه در ایران معاصر دیدگاه‌های مختلف درباره موانع توسعه‌نیافتگی نشان داد که شناخت علل و موانع توسعه و ارائه الگوی مناسب درباره آن در جوامع مختلف نیازمند توجه به تفاوت‌های تاریخی، اعتقادی، فکری، فرهنگی و همچنین شرایط محیطی و ساختارهای متفاوت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که مستلزم انواع متفاوتی از الگوهای توسعه و هستند.**

**قابل‌ذکر است تحقیقات زیادی با رویکردها و روش‌های مختلف فرایند سیاست‌گذاری توسعه را موردبررسی قرار داده است، بعضی از آن‌ها علل و عوامل خارجی و بعضی دیگر موانع داخلی را علت توسعه‌نیافتگی می‌دانند که به شناخت و درک ماهیت فرایند سیاست‌گذاری عمومی توسعه در ایران کمک می‌نماید و اشاراتی هم به رابطه متغیرهای شناختی مانند**

ارزش‌ها، باورها و عقلانیت با نظام سیاست‌گذاری نموده‌اند اما رویکرد روان‌شناختی می‌تواند موضوع جدیدی در این زمینه باشد که در ادامه با پنداشت جامع‌تر به آن می‌پردازیم.

**تعاریف مفاهیم**

در بررسی تعاریف مفاهیم برخی از متغیرهای اساسی‌تر که می‌تواند (جایگاه توسعه روان‌شناختی در سیاست‌گذاری عمومی و توسعه پایدار ایران) را تبیین کنند عبارت‌اند از:

**الف) توسعه روان‌شناختی:**

توسعه روان‌شناختی پیش‌زمینه اصلی برای بسترسازی توسعه را رقم می‌زند. این رویکرد تحت عنوان «نوسازی توسعه» شناخته‌شده است و متأثر از متفکران مکتب نوسازی هست و به عوامل داخلی و درونی افراد همچون خلقیات و باورها، عوامل ذهنی و شخصیتی که تعیین‌کننده رفتار افراد به‌خصوص در حوزه رفتارهای سیاسی مدنظر قرار می‌دهد و اشاره به‌نوعی تحرک روانی یا ذهنی دارد که در آن افراد ویژگی‌های روانی، ارزشی، انگیزشی و اعتقادی تازه‌ای را کسب می‌کنند. (عبدالملکی، ۱۳۹۸: ۴۷) دانیل لرنر، الکس اینکلس، دیوید اسمیت، دیوید مک‌کله‌لند، اورت هیگن و اورت راجرز از نظریه‌پردازان اصلی این مکتب هستند. این متغیر مفاهیمی چون باور، نگرش، رفتار، هنجار و عقلانیت را دربر می‌گیرد که در ذیل متغیر توسعه روان‌شناختی و نقش این مفهوم در فرایند سیاست‌گذاری عمومی در این پژوهش موردبررسی قرار می‌گیرد.

**ب) سیاست‌گذاری عمومی:**

سیاست‌گذاری عمومی یعنی «علم دولت در عمل» (مولر، ۱۳۸۳ :۸۴) دربرگیرنده برنامه‌های سیاسی برای اجرای طرح‌هایی جهت دستیابی به اهداف است (کوران و مالون، ۲۰۰۴: ۱۲۱) و مجموعه فعالیت‌های حکومتی است که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد (پیترز، ۶۹:۲۰۱۲) در معنایی دقیق‌تر، نظامی از قوانین، اصول، اولویت‌های مالی، دستورالعمل‌ها و مداخلات است که توسط یک شخص، گروه یا حکومت برای تغییر، حفظ یا ایجاد شرایط زندگی که به رفاه انسان‌ها منجر می‌شود، بنابراین یک سیاست‌گذاری موفق

باید با درک صحیحی از رفتار انسان همراه باشد تا جامعه را به شیوه‌ای مطلوب شکل دهند تا به رفتارهایی بیانجامد که پیامد آن رفاه انسانی است. (بریکلند، ۲۰۱۴: ۱۹).

**مبانی نظری توسعه روان‌شناختی**

ادبیات نظری مربوط به توسعه روان‌شناختی مبنی بر تحلیل اتفاقات رایج است که در آثار دانشمندان مطرح این حوزه مشاهده می‌شود. الکس اینکلس و اسمیت نوسازی روانی را نوعی فرایند اجتماعی دانسته که در طی آن انسان‌هایی که نگرش و رفتارهای ارزشی مدرن‌تر دارند، از نهادهای مدرن و نوسازی کلی جامعه حمایت می‌کنند (اینکلس و اسمیت، ۱۹۷۹: ۱۶-۱۴) آنان مشخصاتی را برای انسان مدرن شامل پذیرش تجربه‌های جدید، آمادگی برای تغییر اجتماعی، قلمرو رشد عقیده و اطلاعات، زمان، کارایی، برنامه‌ریزی، محاسبه‌پذیری با اعتماد، آموزش و اشتغال، آگاهی از مقام دیگران برمی‌شمارند. (وینر، ۱۳۵۰: ۲۶-۲۵). دانیل لرنر ورود عناصر حامل نوسازی را در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسان‌ها برای پذیرش عناصر جدید تجدد مؤثر می‌داند (ازکیا، ۱۳۸۹: ۱۰۸). وی مهم‌ترین عوامل آمادگی روانی انسان‌ها را که برای نوسازی مفید است را شامل: بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی، ارتقاء تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت می‌داند و به این نتیجه می‌رسد که همراه با ورود تسهیلات شهری، نگرش و باورهای انسان‌ها تغییر می‌کند و اندیشه آنان نیز مدرن می‌شود. (آر. ملکات،۱۳۸۴: ۱۳۲) اورت هیگن پیشرفت را شامل دو مرحله ۱) سبک آگاهی جدید ۲) و کاربرد این آگاهی‌ها در فرایند توسعه می‌داند (هیگن، ۱۹۹۲: ۵۵). وی شرایطی همچون احساس مسئولیت، اعتماد و اطمینان، درک خطر و احساس مبارزه با آن، ایجاد توان همدلی بالا، انگیزه بالای پیشرفت، نیاز به استقلال و نظم، کمک و همکاری با دیگر هم نوعان، مشارکت آگاهانه و ارادی در تصمیم‌گیری و امور مرتبط بازندگی خود را لازمه توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌داند (روزی، ۱۳۸۲: ۸۱). مک کله لند مفهوم «ویروس ذهنی» را مطرح ساخت و آن را ویروس «نیاز به موفقیت» نامیده است که منجر به رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد. (عبدالملکی،۱۳۹۸: ۵۶) ویروس ذهنی و نیاز به پیشرفت، در ذهن شخص نمودار اندیشه‌هایی است که سروکار آن‌ها با خوب انجام دادن کاری یعنی کاراتر، سریع‌تر و با زحمت کمتر و نتیجه بهتر است. از دید وی انگیزه نوسازی بر بخشی از متغیر فردی، نیاز به موفقیت و علاقه‌مندی به رفاه دیگران مبتنی

است. (مک کله لند،۱۹۶۶: ۳۹) هارولد لاسول که با رویکرد روان‌شناختی به تأثیر آن بر فرآیندهای سیاسی پرداخته و بر عواملی همچون انگیزه‌ها، ادراکات، شناخت، یادگیری، نحوه نگرش، جامعه‌پذیری و پویائی گروهی را به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رفتار سیاسی تأکید می‌نماید (هاوتن،۱۳۹۶: ۱۲).

هربرت سایمون با طرح مدل عقلانیت محدود به‌عنوان یکی از زمینه‌های روان‌شناختی انسان معتقد است که عقلانیت انسان محدود است و این محدودیت ناشی از محدودیت‌های ذهنی انسان است و هرگونه بحثی درباره مکانیسم تصمیم‌گیری باید با علم براین واقعیت باشد (سایمون، ۱۹۴۷: ۸۱-۸۰). وی محیط‌های سازمانی و اجتماعی که تصمیم‌گیرنده در آن قرارگرفته را بر نحوه تصمیم‌گیری تأثیرگذار می‌داند. در مدل عقلانیت محدود، تصمیم گیر پس‌ازآنکه معیارهای نه‌چندان کاملی برای حل مسئله در نظر گرفت، به‌مجرد رسیدن به یک راه‌حل که رضایت او را برانگیزد، کار تحقیق در مورد آلترناتیوها را رها کرده و مسئله را خاتمه یافته می‌داند. به عقیده وی واقعیت بستگی به آن دارد که تصمیم‌گیرنده، واقعیت را چه تشخیص داده باشد؛ یعنی ممکن است آنچه تصمیم‌گیرنده واقعیت تشخیص داده، واقعیت نبوده و یا همه واقعیت نباشد (وحید، ۱۳۸۸:۱۳۲).

شارما رشد روانی را در سلامت ذهن می‌داند که تعادلی بین زندگی مادی و غیرمادی و بین ارزش‌های ابزاری و سنتی جامعه برقرار می‌کند. مشخصه روانی زندگی با مشخصه اجتماعی زندگی در ارتباط است. وی بر عوامل خاص روانی تأکید دارد که جزء خصوصیات بارز رهبران سیاسی به شمار می‌رود. (شارما، ۱۹۸۹: ۱۸). از دید گولت، توسعه نیازمند انتقاد، بازنگری و بازسازی است. تصمیمات صحیح را نماینده عملکردی یک‌جانبه حاصل از عقلانیتی منفرد در حوزه تصمیم‌گیری نمی‌داند. از دید وی عقلانیت سیاسی درکسانی به‌خوبی نمایش داده می‌شود که قدرت را به‌خوبی اداره می‌کنند، منطقشان به‌طور مداوم نه در جهت باقی ماندن در وضع موجود، بلکه به سمت جایگزینی آن پیش می‌رود (گولت، ۱۹۹۲: ۳۰۳). همچنان که باید توجه داشت هر تعریفی از توسعه مبتنی بر ارزش‌های خاصی است و نمی‌توان به توافق جهان‌شمول نسبت به یک معنا و مجموعه خطی مشی دست‌یافت. (ترنر و هیوم،۱۳۷۹: ۱۳)

وضعیت سیاست‌گذاری عمومی در ایران و نسبت آن با توسعه:

در سیاست‌گذاری عمومی، رویکردهای رایج موردبررسی شامل: مدل نهادی، مدل فرایندی، مدل گروهی، مدل نخبگان، مدل عقلانی، مدل تغییرات تدریجی، مدل بی‌نظمی سازمان‌یافته، مدل انتخاب عمومی، مدل سیستمی، مدل تصمیم‌گیری اجتماعی و مدل کشکولی هست. (حق‌شناس، ۱۳۹۹: ۲۱۱) گروهی از نظریه‌پردازان همچون مارچ، السن و ریچاردکوهن مدل جالبی را در خصوص چگونگی سیاست‌گذاری ارائه نموده‌اند و فضای سیاست‌گذاری را ظرف زباله (سیاست‌گذاری کشکولی) نام نهاده‌اند که ویژگی اساسی آن همگرایی و جفت شدنِ تصادفی مشکلات عمومی با راه‌حل‌ها (یعنی سیاست‌ها) هست. آن‌ها معتقدند هرگاه در یک نظام سیاست‌گذاری، ترجیحات و اولویت‌ها مبهم و نامعین باشد و نتوان تصمیم‌گیری را مبتنی بر طبقه‌بندی ترجیحات قرارداد، نظام سیاست‌گذاری با خودانگیختگی مواجه و تصادفی شکل می‌گیرد. (Anderson),۳۱:۱۹۷۳ ناتوانی در نیل به هدف‌های عملیاتی و تعهدات، فرایندهای حل مسئله مبتنی بر ترس که به‌ندرت به تصمیم‌های سودمند منجر می‌شوند، دوباره‌کاری‌های فراوان، روابط بین فردی بر پایه فریبکاری و خودخواهی از دیگر ویژگی‌های مدل سیاست‌گذاری کشکولی هست (Appelbaum & Roy-Girard, ۲۰۰۷). احساسات و رفتارهای منفی تصمیم‌گیرندگان به‌طور گسترده انعکاس می‌یابد، بازی‌های قدرت و دادوستدهای سیاسی به‌منظور دستیابی به منفعت شخصی نقش اساسی را بازی می‌کند و موجی از نارضایتی را رقم می‌زند (Maitlis and Ozcelik,۳۷۶:۲۰۰۴).

اگرچه همه سیاست‌گذاری‌ها در بخش عمومی باهدف حل مشکلات اجتماعی طراحی و اجرا می‌شوند لیکن بسیاری از این خط‌مشی‌ها با الگوی عقلایی تدوین و اجرا نمی‌شوند و می‌توانند پیامدهای منفی برای جوامع به دنبال داشته باشند ( ۷۳: ۲۰۱۳, Dye). ازاین‌رو خط‌مشی گذاری چهره‌ای سیاه و تاریک نیز دارد که رفتارهای سیاسی، بی‌عدالتی، تنازع سیاسی، خودشیفتگی، خودکامگی و رابطه مداری به‌جای ضابطه مداری از نشانه‌های آن است (۷۵: ۲۰۱۳ Thissen and Walker,). در این مدل امکان تحلیل شمار گسترده‌ای از سیاست‌های عمومی در ایران فراهم و حوزه‌های مهمی نظیر سلامت، امنیت عمومی، اشتغال و مبارزه با فساد را می‌توان با استفاده از این الگو موردمطالعه قرارداد و به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری‌ها در ایران صحنه سیاست‌های

کم‌دوام است و عمر سیاست‌ها نه در پیوند با عقلانیت که مرتبط باسیاست‌هایی است که تأمین منافع ملی و مصلحت عمومی را با تردید روبرو می‌کند (Cohen, March and Olsen:۱۹۷۲ ).

**عوامل روان‌شناختی مؤثر در سیاست‌گذاری عمومی توسعه**

بر اساس مفاهیم روان‌شناختی مربوط به سیاست‌گذاری توسعه، اگر افراد و ملت‌ها دارای شناخت، ارزش، باور، هنجار، رفتار، عقلانیت و دیگر خصیصه‌های مطلوب نباشند سیاست‌های عمومی قابلیت اثرگذاری را نخواهد داشت؛ بنابراین ضروری است که این مؤلفه‌ها را برای توضیح منطق سیاست‌گذاری عمومی در ایران با مدل مفهومی روان‌شناختی ذیل موردبررسی قرارداد.

جدول ۱-چارچوب مدل مفهومی

| مدل مفهومی (توسعه روان‌شناختی و سیاست‌گذاری عمومی) | |
|---|---|
| شناخت و ارزش (توسعه شناختی) | ۱ |
| باور (توسعه باورهای ذهنی واقع‌گرایانه) | ۲ |
| هنجارها (توسعه هنجارهای اثربخش) | ۳ |
| رفتارها (توسعه رفتار سیاسی مطلوب) | ۴ |
| عقلانیت (توسعه و احصاء عقلانیت) | ۵ |

منبع: یافته‌های محقق

**شناخت و ارزش‌ها (توسعه شناختی)**

شناخت و ارزش برای توصیف عوامل اعتقادی و ارزشی بر متولیان تأثیرگذار در تدوین سیاست‌گذاری عمومی در نظر گرفته‌شده است. نظر به اینکه ایده آل‌های هر جامعه با جوامع دیگر فرق می‌کند هیچ الگوی جهان‌شمولی برای سنجش ارزش‌ها و به دنبال آن توسعه وجود ندارد. لذا نمی‌توان جنبه ارزشی نهفته در تعاریف توسعه را نادیده گرفت چراکه توسعه در هر فرهنگی محصول زمینه‌های فرهنگی همان جامعه هست. (فرانکل،۱۳۸۲: ۹۶). مهم‌ترین نکات در تعریف توسعه عبارت‌اند از: اولاً باید توسعه را یک مقوله ارزشی به شمار آورد. ثانیاً: توسعه

جریانی چندبعدی و پیچیده محسوب می‌شود و سوم باید به ارتباط آن با مفهوم بهبود توجه داشت. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۴).

فرایند فعالیت‌های شناختی که تحت تأثیر گروهی از عوامل روان‌شناختی می‌باشند عبارت‌اند از: ۱) فرمول‌بندی مسئله و راه‌حل‌های احتمالی آن ۲) آگاهی از فرآیندهای شناختی لازم برای حل مسئله ۳) به کار انداختن قواعد و راهبردهای شناختی، ۴) انعطاف‌پذیری رو به افزایش، ۵) نظارت بر فرآیند حل مسئله. (شیوه فرایند شناختی ارزیابی)، ۶) اعتقاد به اندیشیدن و نهادینه شدن تفکر،۷) در طلب راه‌حل مناسب بودن. (مالسن و دیگران،۱۳۹۵: ۴۰). نظام ارزشی و شناخت شیوه زندگی مردم رابطه‌ای متقابل با سیاست‌گذاری عمومی، تصمیم‌گیری و تخصیص منابع دارد. به عبارتی چنانچه سیاست‌ها و اقداماتی که حکومت در مسیر توسعه اتخاذ می‌کند باارزش‌ها و پایه‌های فرهنگی جامعه در تعارض باشد با مقاومت آشکار و پنهان اقشار و گروه‌های مختلف در جامعه مواجه خواهد شد و مانع هم‌افزایی نیروهای جامعه در پیشبرد مقاصد توسعه می‌گردد. این مقاومت‌ها چنانچه به‌صورت غیرمستقیم و غیر آشکار صورت گیرند، مقاومت فرهنگی نامیده می‌شوند. استفان دانکومب، مقاومت فرهنگی را مفهومی می‌داند که آگاهانه یا ناآگاهانه در برابر ساختار سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی مقاومت می‌کند و می‌تواند آن را دگرگون کند و نتیجه برآمده از این مقاومت‌ها در طیفی از تلاش برای بقا تا بروز انقلاب قرار می‌گیرد. دانکومب بقاء را همچون نقطه‌ای که در آن مقاومت فرهنگی صرفاً راهی برای تحمل مشقات روزمره و نا عدالتی‌های زندگی در عین تلاش برای کسب سایه‌ای از شأن و احترام می‌پندارد ( ۱۲۳: ۲۰۰۲,Duncombe) . جی اسکات به شرح «اشکال روزمره مقاومت» و «نسخه‌های پنهان مقاومت» می‌پردازد که نتیجه آن می‌تواند در دامنه‌ای از تحمل سرکوب بیشتر تا اجبار سازنده به اصلاحات منجر گردد. از دید وی این دامنه در درون چارچوب قدرت قرار دارد و هنگامی صورت می‌گیرد که مقاومت فرهنگی به ارزش تبدیل و از شکل پنهان و فرهنگی وارد حوزه مقاومت آشکار برای تغییر وضع موجود خواهد شد (Scott,۱۴۰:۱۹۹۰)؛ بنابراین برای به ثمر نشستن توسعه مطلوب کشور می‌بایست به زمینه‌های ارزشی و شناختی لازم در تدوین سیاست‌گذاری‌ها برای کنار زدن تضادها و تناقضات توجه شود و بی‌توجهی به این موارد به بروز مقاومت می‌انجامد که هزینه آن متوجه کل جامعه

**خواهد بود و موجب می‌شود مقاومت ارزشی در جامعه چنان شدت گیرد که از ساختار غیر آشکار خود فاصله گرفته و در متوقف سازی فرایند سیاست‌گذاری ناکارآمد مداخله نماید.) عجم او غلو و رابینسون، ۱۳۹۸: ۴۷).**

**باورها (توسعه باورهای ذهنی واقع‌گرایانه)**

**باور یکی دیگر از شاخصه‌های توسعه روان‌شناختی در تدوین سیاست‌گذاری عمومی هست و در یک تقسیم‌بندی به دودستهٔ هنجاری (باورهایی در مورد آنچه باید باشد) و ایجابی (باورهایی در مورد آنچه هست) تقسیم می‌شوند. در تقسیم‌بندی دیگر، باورها به دودسته باورهای اصلی یا باورهای تزلزل‌ناپذیر و باورهای فرعی یا باورهای دارای اهمیت کمتر دسته‌بندی می‌شوند (هاوتن، ۱۳۹۳: ۱۱۷). نظام باورها به‌صورت یک نظام دانایی با لایه‌های مختلف و به تعبیر روزنبرگ (۱۹۸۶) شبیه «تارعنکبوت» توصیف می‌شوند که تمام باورها به‌وسیلهٔ رشته‌هایی که از مرکز سرچشمه گرفته‌اند، به هم متصلُ شده‌اند که آن را می‌توان مرکب از لایه‌های سه‌گانه جهان‌بینی، ایدئولوژی و دکترین دانست که هریک بخشی از ایده‌های مربوط به سیاست‌گذاری عمومی را در بردارند (Goldstein & keohane۹۱:۱۹۹۳ ). باورها به‌منزلهٔ پشتوانه‌ای نظری برای اقدامات و تصمیمات سیاست‌گذاری محسوب می‌شوند. ابزاری برای تفسیر موقعیت‌های جدید و به‌منزلهٔ فیلتری تلقی می‌شوند که رهبران سیاسی هرگونه اطلاعات، پدیده سیاسی جدید و سیاست‌گذاری را از کانال باورهای خود عبور می‌دهند (** Renshon, 2008: 80**). ازنظر هالستی می‌توان نظام باورها را به‌عنوان مجموعه‌ای از لنزهای فکری دانست که اطلاعات مرتبط با محیط فیزیکی و اجتماعی از درون آن دریافت می‌شود، افراد متمایل به«فیلتر کردن» « اطلاعات جدید از طریق» «باورهای پیشین» به‌منظور حفظ و انسجام باورهای خویش هستند و اقدامات ناشی از سیاست‌گذاری، حاصل مقابلهٔ ذهنی تصمیم‌گیرندگان در مورد خواست‌ها و آرمان‌ها از یک‌سو و آگاهی از محیطشان از سوی دیگر است (Holsti, 1996:45). رهبران سیاسی در بسیاری مواقع تصمیم‌های خود را با توجه به باورها و ارزش‌های جامعه تنظیم می‌کنند و تغییر باور در بسیاری مواقع به تغییر اساسی در سیاست‌گذاری کشورها منجر می‌شود و بخش اعظم این مسئله ناشی از باورهای متفاوت رهبران سیاسی می‌باشد (Winter ,۹۱:۲۰۰۳). مارتین گریفتیس (تعبیر جهان‌نگرش) را به کار**

**می‌گیرد و آن را تفسیری کلی از جهان و کاربست این نگرش در مورد شیوه داوری و ارزیابی ما از فعالیت‌ها و ساختارهای شکل‌دهنده به جهان می‌داند (علی‌بابایی، ۱۳۸۴: ۲۵۰-۲۴۹). هستهٔ مرکزی نظام باورها را می‌توان جهان‌بینی نامید و از آن با تعابیر دیگری چون باورهای بنیادی یا مرکزی نیز یاد می‌شود که بر توجه و تمرکز به هستی و انسان تأکیددارند (Bern,1970:196). لایه دیگری در نظام باورها، باورهای میانی یا ایدئولوژی هست که با تعابیر دیگری چون باورهای نیمه بنیادی و اصولی نیز یاد می‌شود و می‌توان آن را اصول اخلاقی در معنای اعم و دنبالهٔ آن‌ها در سیاست‌گذاری به معنای خاص دانست. این دسته از باورها همچون جهان‌بینی مفاهیم انتزاعی صرف نیستند و از طرفی جنبهٔ خیلی عینی و ملموسی ندارند، اما به ما در ترسیم وضعیت موجود کدهای اخلاقی خاصی را ارائه می‌کنند (هیوود، ۱۳۸۹: ۵۷۶) ازنظر گلدستون و کوهن باورهای اصولی اغلب برحسب جهان‌بینی‌های کلان موردتوجه، از «ایده‌های هنجاری» تشکیل‌شده و معیاری برای تمیز راست از ناراست و حقیقت از غیر حقیقت هستند (Goldstein & keohane, 1993: 93) . این قبیل از باورها (اصولی یا میانی) در حوزه سیاست‌گذاری عمومی از طریق ابداع و اعتبار مفاهیم و معانی، وضعیت، نظم و رفتار آرمانی و مطلوب را ترسیم می‌کند و مبنای داوری در مورد وضع موجود و نقد آن را فراهم می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۶). از لایهٔ دیگر باورها با تعابیری چون باورهای ثانوی، ابزاری و سببی که اطلاعات جزءبه‌جزء، تاکتیکی و استراتژی‌های عملی را جهت اجرا در سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌کنند، نام‌برده می‌شود. باورهای ابزاری یا سببی در چارچوب جهان‌بینی و باورهای اصولی (ایدئولوژی) ابزارهای دست‌یابی به اهداف را مورداشاره قرار می‌دهند (Goldstein & keohane, 1993:۷۰) . اگر باورهای میانی گزاره‌های عام و کلی مربوط به فضایل مطلوبیت‌ها، خیرات، شرور و بایستگی‌ها و نبایستگی‌های جامعهٔ سیاسی و حیات جمعی است و وجه فلسفی دارد، باورهای ابزاری به نحوهٔ تحقق و فعلیت بخشیدن به اهداف و بهره‌گیری مناسب از فرصت‌ها و امکان‌ها مربوط است و وجه تجریدی و فلسفی ندارد (واعظی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۵). به هراندازه که از جهان‌بینی و لایه‌های میانی باورها به سمت لایهٔ بیرونی حرکت می‌کنیم، باورها شکل انضمامی به خود می‌گیرند و به راهکارها و تدوین سیاست‌گذاری‌ها تبدیل می‌شوند. چنان‌که نور نیز تغییر در باورها را نقطه آغاز تغییرات نهادی قلمداد می‌کند**

(North,۲۰۰۳ :۵۰ ) باورهای ابزاری متناسب با شرایط داخلی و خارجی دستخوش تحول و دگرگونی می‌شوند و این نکتهٔ مهمی در جهت‌گیری سیاست‌گذاری عمومی کشورهاست. (افتخاری، ۱۳۸۶: ۹۳).

**هنجارها (توسعه هنجارهای اثربخش)**

هنجار یکی دیگر از شاخصه‌های توسعه روان‌شناختی در تدوین سیاست‌گذاری عمومی هست و مجموعه قواعد و مقرراتی هستند که در مرحله اجرای سیاست‌گذاری نمود پیدا می‌کنند و اگر اخلاق، انسانیت، حقوق بشر و قوانین داخلی و بین‌المللی در نظر گرفته نشود در مرحله اجرای سیاست‌گذاری با مشکل مواجه خواهیم شد و موجب تبعاتی همچون شکل‌گیری ناهنجاری رفتاری، هرج‌ومرج، نابسامانی‌های اجتماعی، پیگیری هدف‌های شخصی، نگاه جناحی و گروهی، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم توجه به ارزش‌های ملی و هنجارهای اجتماعی می‌شود. همچنین ناهنجاری‌های ناشی از فقدان اندیشه و تفکر در مسیر سیاست‌گذاری توسعه کشور که مهم‌ترین مانع در ایران می‌باشد و مقصودمان این است که جامعه زمانی می‌تواند مشکلات خود را حل کند که سازمان‌ها و نهادهایی برای نهادینه نمودن تفکر ایجاد و به توسعه ذهنی برسد (عظیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). در فرآیند سیاست‌گذاری توسعه کشور ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اجرایی مشهود می‌باشد که مهم‌ترین آن عبارت است از کاستی و خامی در برنامه‌ریزی که یکی از مهم‌ترین ضعف‌های اساسی مهم مدیریت سیاست‌گذاری به شمار می‌رود، همچنین تمامی این عوامل (هنجاری و عقلانی) خود متأثر از یکسری فاکتورهای بیرونی‌اند که دخالت در امر سیاست‌گذاری می‌نمایند و به‌نوعی تأثیر منفی بروی هنجارها و قوانین موجود می‌گذارند. هنجارهای غالب در طول زمان مادامی‌که در موقعیت سیاست‌گذاری قرار می‌گیرند تحت‌الشعاع ساختار و قدرت نهادها، یعنی قوانین رسمی و هنجارهای غیررسمی قرار خواهند گرفت که بر مسیر سیاست‌گذاری توسعه تأثیرگذارند. (نورث، ۲۰۰۳: ۴). در مواردی که نظام اجتماعی و سیاسی با یک تغییر جهشی در هنجارها روبه‌رو می‌شود دیگر نمی‌توان گفت که چه آسیبی متوجه سیاست‌گذاری خواهد شد (شومپیتر، ۲۰۰۵: ۱۱۵).

**رفتارها (توسعه رفتارهای سیاسی مطلوب)**

رفتارها از شاخصه‌های توسعه روان‌شناختی در مرحله اجرای سیاست‌گذاری عمومی می‌باشند. رفتارگرایان معتقدند که روانشناسی یعنی رفتار قابل‌مشاهده، چراکه آنچه موجب تغییر و تحول در زندگی انسان می‌شود و سرنوشت او را به سمت خوشبختی و توسعه سوق می‌دهد رفتارهای اوست. رفتارها نشات گرفته از ارزش‌ها، تصورات، هنجارها، کردارها، باورها و احساسات می‌باشند. از این حیث رفتار خود بر دو قسم بهنجار و نابهنجار هست. «دیوید هلد» سوءبرداشت‌ها را رایج‌ترین نوع آسیب روان‌شناختی می‌داند که بر رفتار تصمیم‌گیرندگان تأثیر می‌گذارد و ممکن است از انواع مختلفی از مسائل عاطفی، شناختی و سازمانی و یا آمیزه‌ای از هر سه نوع باشد (هلد، ۱۳۸۲: ۱۶۱- ۱۵۹). تصاویر ذهنی درصورتی‌که به شکل پایدار بوده و فاصلهٔ زیادی با واقعیت داشته باشند، به « سوء تصورات « یا «کلیشه‌ها» تبدیل و مبنای رفتار در سیر تصمیمات و سیاست‌گذاری قلمداد می‌شود.(Dyson & Preston, 2006) . رابرت جرویس نادرستی این فرض را که تصمیم گیران تصویر کاملاً درستی از جهان دارند و سوء تصورات می‌تواند به‌صورت اتفاقی رخ دهد را نشان داده است. (Jervis,1976:77) معمولاً در تنظیم هدف‌های سیاسی و پاسخ‌های مقتضی، تجسم واقعیت بر وضعیتی از گذشته مبتنی یا با آن مقایسه می‌شود (Stein, 2008: 74) .تصویر ذهنی فراتر از سطح فردی در سطح ملی نیز وجود دارد. در این صورت تصویر ذهنی حول دو موضوع شکل می‌گیرد؛ نوع نگرش مردم یک کشور به جایگاه و نقش کشور خود و دوم تلقی آن‌ها از سایر کشورها و واحدهای سیاسی (Holsti,1996:44) .پس‌ازاینکه سیاست‌ها اجرا گردید، ارزیابی رفتارها، نقش محوری در میزان مؤثر بودن اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی ایفا می‌نمایند. امروزه حکومت‌ها (فارغ از درستی و غلطی اهدافشان) به روش‌های پیچیده‌ای برای کنترل جامعه و جهت‌دهی رفتارهای اجتماعی شهروندان دست‌یافته‌اند و طوری به مداخله در جامعه می‌پردازند که شهروندان با رضایت، احساس مثبت و کاملاً با اختیار خود، رفتارهایی همسو با منافع خود و جامعه بروز دهند. رویکردهای رایج در سیاست‌های تغییر رفتار، در چهار دسته طبقه‌بندی‌شده‌اند:

۱. استفاده مستقیم از قوه سلطه، اقتدار حکومت و اجبارهای انتظامی

۲. آموزش، توجیه منطقی و علمی، آگاهی‌بخشی و انتقال اطلاعات و دانش

۳. طراحی سازوکارهای هزینه-فایده و تنظیم ساختارهای جهت دهنده به رفتار

**۴. استفاده از میانبرهای ذهنی، نیمه آگاهانه و فرایندهای روان‌شناختی.**

**با تأملی کوتاه در زندگی روزانه خود درمی‌یابیم که اغلب رفتارها و انتخاب‌های ما، نه وابسته به آگاهی‌های ما و نه محاسبات هزینه-فایده‌ای ما هست. واقعیت این است که بسیاری از رفتارهای روزمره ما با تأمل و حتی آگاهانه صورت نمی‌گیرد، بلکه مبتنی بر احساسات، عادات، انتظارات اطرافیان، شرایط محیطی، خطاهای ادراکی و شناختی هستند. (آشتیانی، ۱۷:۱۳۸۵). در ارزیابی نحوه سیاست‌گذاری توسعه در ایران و اجرای موفق برنامه‌های توسعه، رفتار اخلاقی، منطقی، قانونی و مورد اعتماد ضروری است؛ و نتیجتاً اینکه در صورت لزوم بازسازی رفتاری از جنبه روان‌شناختی با بهسازی در ارزش‌ها، رویکردها و رویه‌های حاکم بر فرایند سیاست‌گذاری عمومی اجتناب‌ناپذیر هست (رنانی، ۱۳۸۱: ۱۳).**

**عقلانیت (توسعه و احصاء عقلانیت)**

**موضوع عقلانیت انسان و روش تفکر او، از دو منظر دارای اهمیت است: اول ازآنجاکه عامل انسان، محور مباحث توسعه و درنتیجه برنامه‌ریزی بوده و ازاین‌رو، تفکر او در نظام برنامه‌ریزی نقش اصلی را ایفا می‌کند و نادیده گرفتن این اصل منجر به فقدان درک صحیح از مفهوم برنامه‌ریزی می‌شود و دیگری اینکه با تغییر یافتن تعریف انسان به‌عنوان عامل اقتصادی، مفهوم توسعه نیز تغییر کرده و درنتیجه ابزار رسیدن به هدف توسعه، یعنی برنامه‌ریزی نیز تغییر می‌کند. علاوه بر این، در فرآیند اتخاذ یک تصمیم، نهاد و رویکردهای مختلفی اعم از نهاد کارشناسی، نهاد مدنی و نهاد سیاسی مشارکت دارند و در تعامل با یکدیگر روند برنامه‌ریزی را پیش می‌برند؛ بنابراین، شیوه اندیشه و تفکر این گروه‌ها و مهم‌تر از آن نحوه تعامل عقلانیت این گروه‌ها، ماهیت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را متحول می‌سازد (ملرز، ۲۰۰۴: ۲)؛ اما به نظر می‌رسد ایران صحنه سیاست‌های کم‌دوام است و درصورتی‌که متولیان و مجریان در تدوین و اجرای سیاست‌گذاری عمومی به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه کشور رویکرد ذهنی خود را با عقلانیت و واقعیت‌ها منطبق نکنند مسیر توسعه با کامیابی همراه نمی‌شود (مومنی و رمضان زاده ولیس، ۱۳۹۳: ۱۸). با بررسی عقلانیت که با عنصر هدفمندی نیز در ارتباط است به‌واسطه به میان آوردن مفهوم ذهن، اندیشه و شیوه فکری انسان مفهوم عقلانیت را بیش‌ازپیش مهم‌تر جلوه می‌دهد چراکه هر نوع نگاه به انسان و ذهن او بر تعریف توسعه و**

برنامه‌ریزی اثرگذار بوده و پای مبحث تناسب هدف و ابزار را به میان می‌کشد (ردموند، ۲۰۰۶: ۴۳۲). عدم توجه به عنصر عقلانیت، عدم اجماع نظر و اختلاف در مبانی نظری توسعه را به دنبال داشته است و موجبات شکل‌گیری سیاست‌گذاری کشکولی در ایران را رقم‌زده است که دارای ویژگی‌هایی همچون پیگیری هدف‌های شخصی، نگاه جناحی و گروهی، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم توجه به ارزش‌های ملی و هنجارهای اجتماعی، عوام‌گرایی و اتخاذ دیدگاه کوتاه‌مدت هست. بنا به نظریه انتخاب عقلایی در این شرایط، فضای تصمیم‌گیری کشور تابع نزدیک‌بینی سیاسی- تجاری خواهد شد. نتیجتاً تصمیم‌گیری‌ها به‌گونه‌ای اخذ خواهد شد که منافع سیاسی کوتاه‌مدت و هزینه‌های اقتصادی بلندمدت خواهد داشت (توکلی، ۱۳۹۰: ۴۷). اتخاذ دیدگاه جزیره‌ای و غیرعلمی از دیگر راهبردهای سیاستگذاران کشکولی است؛ بدین ترتیب که این سیاست‌گذاران فاقد دید سیستمی هستند، دانش سازمانی را نادیده می‌گیرند و به رفع عوارض و نشانه‌ها به‌جای ریشه‌یابی مسئله، توجه می‌کنند. تصمیم‌های غیرعملی، تغییرات یکباره و بی‌برنامه و نداشتن دیدگاه نظام‌مند از دیگر مقوله‌های شناسایی‌شده هست. به عبارتی در مدل کشکولی که حاصل بی‌توجهی به عنصر عقلانیت در فرایند سیاست‌گذاری عمومی هست سیاست‌گذاران مشکلات را حل نمی‌کنند بلکه مشکل را به لایه‌های زیرین انتقال می‌دهند. توسل به اقداماتی در جهت حذف رقبا، تبعیض، فساد مالی، اسراف در استفاده از بیت‌المال، بیشینه کردن منافع فردی و...از دیگر ویژگی‌هایی است که راهبرد سیاست‌گذاران در مدل کشکولی را تسهیل می‌کند. (strauss and corbin,1998:132) به‌طورکلی، برای تحقق حکمرانی خوب تغییر روند رکود حاکم بر فرایند سیاست‌گذاری در ایران و از سویی بازنگری در رویکردهای ذهنی مؤثر بر این فرایند اجتناب‌ناپذیر هست زیرا هرگونه تلاش برای تحقق حکمرانی خوب در یک جامعه بدون توجه به زیرساخت‌های لازم به‌ویژه در حوزه فرهنگ و به‌دوراز نگاه واقع‌بینانه رقم نخواهد خورد (شریف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

## نتیجه‌گیری

پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ و دوران جمهوری اسلامی، بروز جنگ تحمیلی ۸ ساله و خسارات ناشی از آن، بحران مالی و اقتصادی و تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی که ایران را رنجاند اما از پای نینداخت. باوجود اثرات منفی و بازدارنده دشواری‌های پس از انقلاب، مع الذالک حجم

عظیمی از زیرساخت‌ها و روساخت‌های کشور در این مدت به وجود آمد؛ اما در عرصه سیاست‌گذاری توسعه مرتبط با آمایش سرزمین همراه با حفاظت از منابع و حفظ محیط‌زیست، دست‌یابی به شاخص‌های مطلوب رشد اقتصادی، نرخ تورم و بیکاری، ارتقای سطح زندگی مردم با چالش‌های زیادی مواجه می‌باشد. لذا با این سؤال مواجه می‌شویم که آیا روحیه، طرز تفکر، ادراک، نگرش و رفتارهای متولیان سیاست‌گذاری عمومی و از طرفی تعقل و رفتارهای اجتماعی عوامل تعیین‌کننده توسعه کشور محسوب می‌شوند؟ در پاسخ به نظرمی رسد در صورت عدم‌تغییر آن دسته از عادات فرهنگی همچون نحوه تفکر، نگرش‌ها و باورهای منسوخ‌شده موثردر تدوین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه، فرایند توسعه در مسیر راکد خود باقی می‌ماند زیرا هنوز در سطح ملی تکلیف خود را با مفهوم توسعه مشخص نکرده‌ایم و در سطح نخبگان به چنین اجماع نظر مشخصی نرسیده‌ایم. درنتیجه مشاهده می‌شود که در ادوار مختلف از سیاست‌گذاری توسعه با برداشت‌ها و تفاسیر متفاوت از این مفاهیم روبه‌رو بوده‌ایم تا جایی که در سال‌های اخیر گاه شاهد اختلاف‌نظرهای اساسی و بنیادین میان صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران در تعیین پارادایم‌های برنامه‌های توسعه بوده‌ایم. باید پنداشت که سیاست‌گذاری توسعه در هر کشوری باید با توجه به ملاحظات اقتضائی ارزشی و فرهنگی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود انجام گیرد چراکه حتی کشورهای مشابه دارای اقتصاد، فرهنگ و نهادهای اجتماعی یکسان نیستند و نمی‌توان در قالب رهیافت و روش واحدی برنامه‌ریزی کرد و هر کشور باید در جستجوی الگوی مناسبی برای توسعه خویش باشد. سیاست‌گذاری توسعه در زیست‌بوم حکمرانی جمهوری اسلامی نیز دارای اقتضائات و شرایط منحصر به خود است. به نظر می‌آید برخی شاخصه‌های حکمرانی خوب، حلقه گمشده فضای سیاسی، اجتماعی و مدیریت کشور است که تاکنون در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها چندان موردتوجه نبوده است. بخش عمده این مشکل به سطحی‌نگری موجود در بین مدیران در حوزه‌های سیاست‌گذاری کشور مربوط می‌شود که به‌جای پرداختن به ریشه‌ها، امور زیربنایی و اصلاح ساختارها خود را درگیر روزمرگی‌ها و مدیریت مسائل پیش‌پاافتاده کرده‌اند و عملاً اهمیت بحث‌هایی چون حکمرانی خوب که می‌تواند به‌عنوان یک عامل زیربنایی، سبب توسعه و تحول در ساختارهای مختلف و نوع تعامل جامعه، دولت و مردم

**شود، مورد غفلت قرارگرفته است. این آسیب ازآنجا نشأت می‌گیرد که متولیان سیاست‌گذاری توسعه سمت‌وسوی آن را بر اساس نگاه سخت‌افزاری ترسیم کرده و التفات چندانی به بعد نرم‌افزاری آن یعنی نظام مناسبات اجتماعی، نیازها، کنش‌ها، نظام اعتقادی و سلایق متفاوت نداشته و منجر به شکل‌گیری هیولایی از توسعه شده که یک‌بعدی، بی‌قواره و نامتناسب است و به‌تبع آن نیز امید به توسعه کشور را از بین می‌برد. به عبارتی راه خروج از شرایط فعلی نهادینه شدن رویکرد واقع‌بینانه در بین متولیان سیاست‌گذاری عمومی هست و این امر میسر نمی‌شود جز تغییر و بازسازی در نظام باورها، ادراک و نگرش‌های فعلی در نظام تدوین برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عمومی توسعه کشور.**

**منابع**

**۱) ازکیا، مصطفی، علیرضا غفاری (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی توسعه، نشر موسسه کیهان**

**۲) افتخاری، اصغر (۱۳۸۶). (اصول‌گرایی و شرایط متحول خارجی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی)، زمانه، ش ۵۵.**

۳) ایزدی، علی‌محمد (۱۴۰۱)، چرا عقب‌مانده‌ایم، تهران، علم

۴) پاول هنری‌ماسن و دیگران، (۱۳۹۹)، رشدشخصیت‌وکودک، مترجم: مهشید یاسایی، تهران، نشر مرکز

۵) پیت، ریچارد؛ ویک، الین هارت، (۱۴۰۰)، نظریه‌های توسعه، ترجمه مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی، اسماعیل رحمان پور، تهران: لویه

۶) پیترز، گای‌وپی‌یر، یان. (۱۳۹۳)، حکمرانی، سیاست‌ودولت. ترجمه حسین قلجی. تهران: رهیافت اول.

۷) ترنر، مارک، هیوم، دیوید، (۱۳۸۵)، حکومت‌داری، مدیریت و توسعه، ترجمه عباس منوریان، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی

۸) تقی لو، فرامرز (۱۳۹۳)، تحلیلی بر موانع نظری الگوی بومی توسعه در ایران، سومین کنفرانس الگوی اسلامی پیشرفت.

۹) توسلی، غلام عباس (۱۳۷۳)، جامعیت مفهوم توسعه، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.

۱۰) توکلی، احمد، (۱۳۹۲)، مالیه عمومی، تهران: انتشارات سمت

۱۱) دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال (۱۴۰۰)، سیاست‌خارجی‌جمهوری‌اسلامی‌ایران، تهران، انتشارات‌سمت.

۱۲) رنانی، محسن، (۱۳۸۱)، سقوط سرمایه اجتماعی: ماهنامه آفتاب، شماره:1019

۱۳) روزی بیدگلی، زهرا (۱۳۸۲)، بررسی جامعه‌شناختی میزان تفکر مدرن (نوگرایی) دبیران خانم شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز

۱۴) ستاری فر، محمد (۱۴۰۰)، بن‌مایه‌های توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۵) شریف‌زاده، فتاح و قلی پور، رحمت‌الله، (۱۳۸۲)، حکمرانی خوب و نقش دولت، نشریه فرهنگ و مدیریت، شماره ۴.

۱۶) طاهری، ابوالقاسم، روش تحقیق و مأخذشناسی (رشته مدیریت)، تهران، پیام نور، ۱۳۷۸، ۱۶۴ ص.

۱۷) طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). اصول فلسفه و روش رئالیسم، در مجموعه آثـار شـهید مـطهری، تهران: صدرا.
۱۸) عبدالملکی، سعید، (۱۳۹۸)، بنیادهای تئوریک نوسازی روانی، تهران، نشر وانیا.
۱۹) عجم اوغلو، دارون، رابینسون، جیمز ای (۱۳۹۸)، چرا ملت‌ها شکست می‌خورند، ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور، تهران: انتشارات روزنه.
۲۰) عظیمی، حسین، (۱۳۸۸)، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۲۱) علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۴). فرهنگ سیاسی آرش، چ دوم، تهران: آسیان
۲۲) فتحی آشیانی، علی، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی، انتشارات بعثت
۲۳) فرانکل، جوزف (۱۳۸۲). روابط بین‌الملل در جهان متغیر، ترجمهٔ عبدالرحمن عالم، چ ششم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
۲۴) محمدجواد حق‌شناس (۱۳۹۹)، تحلیلی بر پیامدهای ناخواسته سیاست عمومی: فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۹.
۲۵) ملکات، سرینوس اس آر؛ استیوز، لزلی (۱۳۹۶)، ارتباطات توسعه در جهان سوم، ترجمه شبانعلی بهرام پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی
۲۶) مولر، پیر، (۱۳۸۳). سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۲۷) مؤمنی، فرشاد و رمضان زاده ولیس، گلروز، (۱۳۹۳)، «نوآوری نهادی کاهنده هزینه مبادله و توسعه اقتصادی: نگاهی به تجربه ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال‌چهاردهم، شماره۵۴، صص۳۲-۱.
۲۸) هاوتن، دیوید پاتریک (۱۳۹۳). روان‌شناسی‌سیاسی (موقعیت‌ها، افراد و مصادیق)، ترجمه علی‌اشرف نظری و شهرزاد مفتوح، تهران: قومس
۲۹) هریسون، دیوید، (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه، علیرضا کلدی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

۳۰) هلددیوید و آنتونی‌مک‌گرو (۱۳۸۲)، جهانی‌شدن و مخالفان آن، ترجمه‌ی عرفان‌ثابتی، تهران: ققنوس.

۳۱) هیوود، تندرو (۱۳۸۹). سیاست، ترجمهٔ عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

۳۲) واعظی، احمد (۱۳۹۴). «نسبت حکمت متعالیه با فلسفه سیاسی اسلامی» علوم سیاسی، ش ۷۰، تابستان. ص ۷-۲۲.

۳۳) الوانی، سیدمهدی، کیاکجوری، کریم، رودگرنژاد، فروغ(۱۳۹۶)، مدیریت‌توسعه، تهران: انتشارات‌صفا

۳۴) وحید، مجید (۱۳۸۸)، سیاست‌گذاری عمومی، نشر میزان

۳۵) وینر، مایرون (۱۳۵۰)، نوسازی جامعه، رحمت ا...مقدم مراغه‌ای، تهران: فرانکلین

36) Anderson, Joel Edward (1973).The Operational Belief System of SenatorArthur Vandenberg: An Application of the George Construct, University of Michigan.

37) Appelbaum, S.H&Roy-Girard, D.)2007). Tovins in the workplace: affection organizations and employees. Corporate Governance: the international journal of Business in society,7(1),19-

38) Brikland, T. (2014) An Introduction to Policy Process (2 Ed.), N. Y.: ME Sharp.

39) Cochean, C. and Malone, E. (۱۹۹۵) Public Policy: Prespectives and Choices, New York: MacGra Hill.Peters, B. G. (۲۰۰۴) American Public Policy: Pomise and Performance (۷ Ed.) N. Y.: CQ Pres

40) Cohen; James G. March; Johan P. Olsen. Administrative Science Quarterly, Vol. 17, No. 1. (Mar., 1972), pp. 1-25. Stable URL ...

41) David C. McClelland, (1996), The Achieving Society, The Free Press, New York

42) Decision-making Processes in Administrative", New York: The

43) Duncombe, Stephen (2002). Cultural Resistance Reader. Landon and Newyork: verso.

44) Dye. T. (2013).understanding public policy. Pearson Education.Inc.

45) Dyson, Stephen Benedict and Thomas Preston (2006). "Individual Characteristics of Political Leaders and the Use of Analogy in Foreign Policy Decision Making", PoliticalPsychology, Vol. -7, No. Pp. -65—88

46) Goldstein, Judith and Robert o. keohane (1993).Ideas and Foreign Policy: Beliefs, Institutions, and Political Change; Cornell University Press.

47) Goulet, D., (1992), Development: Creator and destroyer of Valuse, world Development, p75.
48) Hagen, Everett, (1992), On the Theory of Social Change, Homewood, Dorsey Press
49) Holsti, Ole R (1996-).”The Belief System and National Images: John Foster Dulles and the Soviet Union”, Stanford University.
50) Inkeles, A. & Smith, DH. (1979). Becoming Modern: Individual Change in Six Developing Countries, Cambridge, MA: Harvard University Press.International Studies Quarterly, Vol. 4, No. 3.PP. 403-433.
51) Jervis, Robert (1976). Perception and mis perception in international politics, Princeton University Press, - edition
52) Maitlis, Sally. Ozcelik, Hakan (2004). Toxic Decision Processes: A Study of Emotion and Decision-making Processes in Administrative”, New York: The
53) Melser، Derek. (2004), The Act of Thinking, The MIT Press.
54) North, Douglass c. (2003). Effect of institution on market performance, federal communication commission, washingtion, USA.
55) North, Dougleaa c. (2003), understanding the process of Economic change, institutional barriers to Economic change: cases considered
56) Palsane,M.N & Sharma,s. (1989). Study habits inventory.
57) Renshon, Jonathan & Stanley A. Renshon (2008).“The Theory and Practice of Foreign Policy Decision Making”, Political Psychology, Vol. -9, No. 4. PP. 509-536
58) Schafer, Mark & Stephen G. Walker (2012). “Democratic Leaders and the Democratic Peace The Operational Codes of Tony Blair and Bill Clinton”, International Studies
59) Schumpeter, josephA. (2005), Development, journal of Economic Litereture, Vol XLIII, P108-
60) scott, jamesc. (1990). Domination and the Arts of resistance: Hidden transcripts, London: yale university press
61) Simon, Herbert A. (1947), “Administrative Behavior: A Study of
62) Stein, Janice gross (2008). “Foreign policy decision- making rational, psychological, and neurological models”, In Steve Smith, Amelia Hadfield und Timothy Dunne (Eds.),
63) Strauss., A &corbin, j. (1998). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. 2nded. Thousandoska, CA: sage publication.
64) thissen,A., W alker, E. (2013).Public policy analysis: New Developments. Springer
65) Winter, David G (2003).Personality and Political Behavior, In David Sears (Ed); Oxford handbook of political psychology